



اکران «زن و بچه» به مرداد ماه موکول شد

اکران فیلم سینمایی «زن و بچه» که قرار بود از ۱۸ تیرماه آغاز شود به تعویق افتاد. سیدجمال ساداتیان که پیش‌تر گفته بود، جدیدترین ساخته سعید روستایی از تاریخ ۱۸ تیرماه (چهارشنبه هفته آینده) در سینماها اکران می‌شود، از تغییر برنامه نمایش این فیلم خبر داد و افزود: با توجه به شرایط روزهای اخیر سینماها و به احترام فیلم‌های دیگری که به تازگی روی بره سینما رفته بودند، اکران تیرماه «زن و بچه» متغی شده است. او گفت: اگر مسئله خاصی پیش نیاید درنظر داریم فیلم را مردادماه در سینماها نمایش دهیم. «زن و بچه» که به عنوان یک درام خانوادگی معاصر با موضوع انتقام و بخشش معرفی شده، آخرین ساخته سعید روستایی است و مدتی قبل در جشنواره فیلم کن در بخش مسابقه اصلی به نمایش درآمد. در این فیلم پریزاد ایزدیار بازیگر نقش اصلی است و در کنار او پیمان معادی، فرشته صدراعقایی، سحر گلدوست، سها نیاستی و حسن پورشیرازی بازی کرده‌اند.



سیف‌الله صمدیان، محمود کلاری و حمید جلی آثار بخش عکس جشنواره «۲۵» را داوری می‌کنند.

به گزارش ایسنا، طی حکمی از سوی خسرو نقیبی (دبیر جشنواره «۲۵»)، سه چهره حوزه تصویر به عنوان اعضای هیات داوران بخش عکس دومین دوره این جشنواره منصوب شدند. سیف‌الله صمدیان، محمود کلاری و حمید جلی آثار رسیده به این بخش را در محورهای مختلف مرتبط با مفهوم مصرف مسئولانه‌ی انرژی داوری خواهند کرد. دومین دوره جشنواره «۲۵») امسال با تمرکز بر مصرف مسئولانه انرژی و با محوریت فرهنگ «اندازنگه‌داشتن» با تمرکز بر حوزه‌ی برق برگزار می‌شود.

تماشاخانه سنگلج میزبان آثار بهرام بیضایی می‌شود

تماشاخانه («سنگلج» فعالیت خود را با اجرای دو متن از بهرام بیضایی از سرمی‌گیرد. اطلاعات تکمیلی هر یک به زودی منتشر خواهد شد. وقوع شرایط جنگ تحمیلی از جمعه ۳۲ خرداد ماه، موجب توقف اجرای دو نمایش کمدی و پرمخاطب تماشاخانه سنگلج شد. دو نمایشی که بنا بود تا آغاز ماه محرم به اجراهای خود ادامه دهند. بر همین اساس، نمایش‌های «شب نشینی با مولیر» به کارگردانی داوود فتحعلی‌بیگی و «حرفخرا از فرنگ برگشته» به کارگردانی الهام ذوالفقاریان که از جمله نمایش‌های بهار ۱۴۰۴ به شمار می‌روند، در سومین هفته تمدید و پس از ۳۱ و ۲۵ اجرا کار خود را به پایان رساندند.

ایران اپتئرنشال عمدتاً گزارش‌های خود را به منابع ناشناس، اکانت‌های مجازی، شهروندخبرنگاران فاقد اعتبار رسانه‌ای و همچنین رسانه‌های عبری، چون جروزلم‌پست ارجاع می‌دهد. این نوع ارجاع، امکان راستی‌آزمایی را از مخاطب سلب و جهت‌گیری گفتمانی شبکه را تقویت می‌کند. (ب) تکرار واژگان القایی الگوریتم‌های بازنامایی و روایت‌سازی (الف) گزینش سوگیرانه منابع ایران اپتئرنشال عمدتاً گزارش‌های خود را به منابع ناشناس، اکانت‌های مجازی، شهروندخبرنگاران فاقد اعتبار رسانه‌ای و همچنین رسانه‌های عبری، چون جروزلم‌پست ارجاع می‌دهد. این نوع ارجاع، امکان راستی‌آزمایی را از مخاطب سلب و جهت‌گیری گفتمانی شبکه را تقویت می‌کند. (ب) تکرار واژگان القایی الگوریتم‌های بازنامایی و روایت‌سازی (الف) گزینش سوگیرانه منابع

در زمان جنگ، رسانه‌ها با تبدیل به آینه‌ای برای واقعیت می‌شوند یا ابزاری برای تحریف آن که شبکه ایران اپتئرنشال نه‌تنها روایتگر نبود بلکه در قامت یک بازیگر فعال عملیات روانی ظاهر شد.

باشگاه خبرنگاران جوان: در بحران‌ها، رسانه‌ها با تبدیل به آینه‌ای برای واقعیت می‌شوند یا ابزاری برای تحریف آن. در جریان جنگ ۱۲ روزه اخیر، شبکه ایران اپتئرنشال نه‌تنها روایتگر نبود، بلکه در قامت یک بازیگر فعال عملیات روانی ظاهر شد—با تاکتیک‌هایی، چون سانسور زمینه‌ها، روایت‌های جهت‌دار و هم‌صدایی با منافع متخاصم.

این مقاله نگاهی تحلیلی است به شیوه روایت‌سازی این شبکه در حساس‌ترین بزرگانه‌های ژئوپلیتیکی.

۱. تکنیک‌های بازنامایی و روایت‌سازی (الف) گزینش سوگیرانه منابع ایران اپتئرنشال عمدتاً گزارش‌های خود را به منابع ناشناس، اکانت‌های مجازی، شهروندخبرنگاران فاقد اعتبار رسانه‌ای و همچنین رسانه‌های عبری، چون جروزلم‌پست ارجاع می‌دهد. این نوع ارجاع، امکان راستی‌آزمایی را از مخاطب سلب و جهت‌گیری گفتمانی شبکه را تقویت می‌کند. (ب) تکرار واژگان القایی الگوریتم‌های بازنامایی و روایت‌سازی (الف) گزینش سوگیرانه منابع ایران اپتئرنشال عمدتاً گزارش‌های خود را به منابع ناشناس، اکانت‌های مجازی، شهروندخبرنگاران فاقد اعتبار رسانه‌ای و همچنین رسانه‌های عبری، چون جروزلم‌پست ارجاع می‌دهد. این نوع ارجاع، امکان راستی‌آزمایی را از مخاطب سلب و جهت‌گیری گفتمانی شبکه را تقویت می‌کند. (ب) تکرار واژگان القایی الگوریتم‌های بازنامایی و روایت‌سازی (الف) گزینش سوگیرانه منابع

در سال‌هایی نه‌چندان دور، مردم برای تماشای یک فیلم خوب، بارها و بارها به سینما می‌رفتند. فیلم‌هایی که اگرچه ژانر کمدی داشتند، اما از لایه‌های عمیق اجتماعی، نقدهای ظریف و شخصیت‌پردازی‌های ماندگار بهره‌می‌بردند.

به گزارش خیرآنلاین، آثاری چون «مارمولک»، «لیلی با من است» یا حتی «ورود آقایان ممنوع»، تنها برای خنداندن مخاطب ساخته نشده بودند؛ بلکه در دل خنده، جامعه‌ای را به تصویر می‌کشیدند که درد داشت، حرف داشت، و چیزی برای گفتن. اما امروز، گویی همه‌چیز تغییر کرده است: سالن‌های سینما یکی‌یکی تسلیم فیلم‌هایی می‌شوند که با شوخی‌های سطحی، داستان‌های تکراری و بازی‌هایی شبیه به کلیپ‌های اینستاگرامی، تنها برای لحظه‌ای خنده آورده‌اند و نه چیزی بیشتر.

در گفت‌وگویی که در ادامه می‌خوانید، کیوان کنیریان منتقد سینما با نگاهی آسیب‌شناسانه، از انحصار فیلم‌های کمدی بر پرده نقره‌ای ایران می‌گوید: انحصاری که نه از دل نیاز مخاطب، بلکه با برنامه‌ریزی‌های سیاست‌گذاری شکل گرفته که به‌جای ساختن، ترجیح دادند تنها بفروشند. او از سقوط تدریجی سینمای اجتماعی، حذف فیلم‌سازان منتقد، و رواج خنده‌هایی تهی از معنا می‌گوید و معتقد است که ذائقه مردم نه تغییر کرده و نه بی‌مایه شده، بلکه این سینما است که دیگر اثری برای مخاطب اهل سینمای ندارد.

پیش از این نیز در سلسله گفتگوهایی با شاهین امین، منتقد سینما، محمود گربلو روزنامه‌نگار، منتقد و مجری پیشین برنامه‌ی هفت و سحر عصرآراز منتقد سینما و فیلم‌نامه‌نویس روایتی از چرایی افول فیلم‌ها و تولید آثاری که بعد از تماشایشان، هیچ گونه تفکر و تعمقی در مخاطب ایجاد نمی‌شود، بررسی کردیم.

در ادامه گفتگوی تازه ما در همین رابطه با کیوان کنیریان را مطالعه می‌کنید.

*** در گشته فیلم‌هایی ساخته می‌شد که می‌توانستیم بارها آن‌ها را ببینیم، حتی امروز هم اگر نیاز به فیلمی برای خندیدن داشته باشیم، آن‌ها را ترجیح می‌دهیم. اما فیلم‌های کمدی امروز، گرچه مردم را به سینما می‌کشاندن و فروش خوبی هم دارند، اما چیزی از آن‌ها در ذهن نمی‌ماند؛ تماشاگر فقط می‌خندد و از سالن بیرون می‌آید. به نظر شما این تغییر ذائقه، مدیریت‌شده است؟**

بله درست است. یک بخش زیادی از ماجرا این است که آن زمان فیلم‌ها کیفیت داشتند و الان کیفیت تنزل پیدا کرده است؛ فیلم‌هایی مثل «مارمولک»، «لیلی با من است» یا «ورود آقایان ممنوع» نمونه‌های خوبی در سینمای کمدی پس از انقلاب هستند. پیش از انقلاب به هم البته موارد قابل ذکری داشتیم. اما اصل ماجرا این است که همیشه این نوع سینما وجود داشته و در تمام دنیا نیز همین‌طور است. در هر صورت فیلم‌های این‌چنینی بخشی از صنعت سینما را تشکیل می‌دهند و حضورشان هم لازم است. چون مخاطبانی هستند که این نوع سینما را دوست دارند.

اما نکته اینجاست که در سایر کشورها، به یک ژانر انحصار نمی‌دهند. یعنی در کنار سینمای ترساک، جنگی، پلیسی، ملودرام و عاشقانه، کمدی هم هست. اما در ایران گویا فقط همین یک نوع سینما است که برپایان باقی‌مانده.

ضمن اینکه سینمای کمدی به معنای سینمای مددپستی یا سطحی نیست. ژانر کمدی یکی از جدی‌ترین و پیچیده‌ترین ژانرهاست. شما آثار خارجی را ببینید؛ اصلاً در سطح دیگری تعریف می‌شوند. راه دور نرویم؛ چاپلین را ببینید. او یکی از پایه‌های اصلی تاریخ سینماست. پس نباید این ژانر را ساده‌انگارانه تحلیل

نگاهی به روند مرگ خاموش سینما با به حاشیه رفتن آثار اجتماعی

جای خالی «مارمولک»‌ها در سینمایی که فقط می‌خواهد بفروشد

در حالی که فیلم‌های کمدی سطحی، یکی پس از دیگری پرده سینماهای کشور را تصاحب می‌کنند، سینمای اجتماعی و جدی روزبه‌روز به حاشیه رانده می‌شود. در گفت‌وگویی صریح و تحلیلی، یکی از کارشناسان باسابقه سینما، با نگاهی به چرایی این روند، از سیاست‌گذاری‌های مخرب دولت پیشین، تغییر الگوی تولید، و سوءبرداشت از ذائقه مخاطب حرف می‌زند. او می‌گوید: «ذائقه مردم تغییر نکرده، این سینما است که دیگر چیزی برای مخاطب واقعی خود ندارد.»



اما نتیجه این است که اگر قرار باشد به هر قیمتی مردم را به سینما بکشانیم، دست آخر به جایی می‌رسیم که شوخی‌های جنسی آزاد می‌شود، قصه‌های بی‌مایه و سطح پایین ساخته می‌شود، و از خیانت، غیبت و روابط زرد، خنده می‌سازند. این نوع سینما باید باشد، اما در حاشیه، نه اینکه تبدیل شود به کل سینمای ایران. سینمایی که روزگاری پر از فیلم‌های جدی، اندیشمند و درخشان بود، حالا به جایی رسیده که این نوع فیلم‌ها عمده‌ترین تولیداتش هستند.

*** می‌توان گفت امروز رغبت به ساخت فیلم‌های اجتماعی کم‌تر شده است؟**

ساختن فیلم‌های جدی امروز بسیار سخت است. هزینه‌ها برنمی‌گردد. همه این‌ها به خاطر سیاست‌هایی‌ست که در دولت قبل وجود داشت. «پی‌پرسر» را ندیده‌ام، ولی با تعریف‌هایی که شنیده‌ام امیدوارم که از آن استقبال شود. اما واقعیت این است که چیزی که طی چهار یا پنج سال نابود کرده و به صورت جدی تیشه به ریشه‌ی آن زدن. جالب است که فیلم‌های کمدی در نمایش خانگی شکست می‌خورند، اما ملودرام‌ها، آثار جدی، پلیسی، حتی خشن، دیده می‌شوند. پس این‌طور نیست که مردم فقط کمدی بخواهند. دولت قبل با این بهانه‌ها سعی کرد سینمای اندیشمند و منتقد را حذف کند، و متأسفانه موفق هم شد.

امروز بیشتر فیلم‌هایی که در سینما اکران می‌شود، محصول سال‌های قبل هستند؛ مانند «پی‌پرسر»، «بی‌سر و صدا» یا فیلمی مثل «رکسانا»! اگر اکران شود، این‌ها همه برای قبل هستند و دیگر چیزی از سینمای جدی باقی نمانده است. اگر هم باشد، ضعیف است یا کیفیت چندانی ندارد. این‌هایی که الان در جشنواره‌ها اکران می‌شوند تازه خوب‌های این مدل سینمای کمدی هستند که تازه آن‌ها هم خوب نیستند.

*** پس این فرایند مدیریت‌شده بوده است؟** آقای خراعی و وزیر وقت عملاً تلاش کردند ریشه سینمای اندیشمند را بکشانند. گفتند همه بروید کمدی بسازید تا پول دربیاید. بعد هم گفتند آن‌هایی که فروش ندارند، بروند کنار چون مردم نمی‌خواهند.

سیدرضا صالحی امیری در گفت‌وگو با خبرنگار ایرنا اظهار داشت: وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی در سطح رسمی در خصوص جلوگیری از تجاوز رژیم صهیونیستی به میراث‌فرهنگی و طبیعی ایران یا یونسکو، سازمان جهانی گردشگری و نهادهای بین المللی مکاتبه کرد و نسبت به این موضوع هشدار داد.

وی افزود: با ارسال نامه‌ای رسمی به آدری آژولای دبیرکل سازمان آموزش، علمی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو)، از این نهاد بین‌المللی درخواست کردیم برای حفاظت از میراث‌فرهنگی و طبیعی ایران در برابر تهدیدات ناشی از تجاوزات نظامی اخیر رژیم صهیونیستی اقدامات فوری و مؤثری انجام دهد.

صالحی امیری ادامه داد: در این نامه با استناد به کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه (حمایت از اموال فرهنگی در زمان جنگ) و کنوانسیون ۱۹۷۲ حمایت از میراث جهانی، بر مسئولیت یونسکو و جامعه بین‌المللی در حفظ این گنجینه‌های بی‌بدیل تأکید شد.

وزیر میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی در پاسخ به پرسش خبرنگار ایرنا در مورد اقدام یونسکو در قبال نامه ایران و ضرورت حفاظت از آثار تاریخی و فرهنگی ایران، گفت: ما اطلاع داریم که

سیدرضا صالحی امیری در گفت‌وگو با خبرنگار ایرنا اظهار داشت: وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی در سطح رسمی در خصوص جلوگیری از تجاوز رژیم صهیونیستی به میراث‌فرهنگی و طبیعی ایران یا یونسکو، سازمان جهانی گردشگری و نهادهای بین المللی مکاتبه کرد و نسبت به این موضوع هشدار داد.

وی افزود: با ارسال نامه‌ای رسمی به آدری آژولای دبیرکل سازمان آموزش، علمی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو)، از این نهاد بین‌المللی درخواست کردیم برای حفاظت از میراث‌فرهنگی و طبیعی ایران در برابر تهدیدات ناشی از تجاوزات نظامی اخیر رژیم صهیونیستی اقدامات فوری و مؤثری انجام دهد.

صالحی امیری ادامه داد: در این نامه با استناد به کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه (حمایت از اموال فرهنگی در زمان جنگ) و کنوانسیون ۱۹۷۲ حمایت از میراث جهانی، بر مسئولیت یونسکو و جامعه بین‌المللی در حفظ این گنجینه‌های بی‌بدیل تأکید شد.

وزیر میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی در پاسخ به پرسش خبرنگار ایرنا در مورد اقدام یونسکو در قبال نامه ایران و ضرورت حفاظت از آثار تاریخی و فرهنگی ایران، گفت: ما اطلاع داریم که

سیدرضا صالحی امیری در گفت‌وگو با خبرنگار ایرنا اظهار داشت: وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی در سطح رسمی در خصوص جلوگیری از تجاوز رژیم صهیونیستی به میراث‌فرهنگی و طبیعی ایران یا یونسکو، سازمان جهانی گردشگری و نهادهای بین المللی مکاتبه کرد و نسبت به این موضوع هشدار داد.

وی افزود: با ارسال نامه‌ای رسمی به آدری آژولای دبیرکل سازمان آموزش، علمی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو)، از این نهاد بین‌المللی درخواست کردیم برای حفاظت از میراث‌فرهنگی و طبیعی ایران در برابر تهدیدات ناشی از تجاوزات نظامی اخیر رژیم صهیونیستی اقدامات فوری و مؤثری انجام دهد.

صالحی امیری ادامه داد: در این نامه با استناد به کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه (حمایت از اموال فرهنگی در زمان جنگ) و کنوانسیون ۱۹۷۲ حمایت از میراث جهانی، بر مسئولیت یونسکو و جامعه بین‌المللی در حفظ این گنجینه‌های بی‌بدیل تأکید شد.

فرهنگ و هنر



بامداد بیات همدان، بابک بیات، آهنگساز سرشناس ایرانی سال‌ها پیش در حالی که یکی از فرزندانش تنها ۱۰ سال داشت، او را از دست داد. امروز اما بابک بیات دیگر نیست که بار دیگر شاهد افتادن سایه سیاه مرگ بر خانواده‌اش باشد و یکی دیگر از فرزندان خود را در حالی که هنوز جوان است، به دست خاک بسپارد.

بامداد بیات که بر اثر سکته مغزی جان خود را در ۴۰ سالگی از دست داد، امروز چهارشنبه ۱۱ تیر درحالی که دوستانش حامی و مانی رهنما با دلی اندوهگین و آکنده از غم پیکر بی‌جان او را روی دوش‌های خود حمل می‌کردند، در قطعه هنرمندان بهشت زهرا (س) در کنار پدرش به خاک سپرده شد.

بامداد بیات هنرمندی بود که مشق موسیقی را از کودکی نزد پدرش آموخته و او را اصلی‌ترین استاد خود می‌دانست. او در ۱۱ سالگی به هنرستان موسیقی رفت و به تحصیل پرداخت.

اما از اواسط دوره دبیرستان برای ادامه تحصیل به کانادا مهاجرت کرد و در آن‌جا دیپلم موسیقی را در رشته موسیقی جاز از دانشگاه تورنتو دریافت کرد.



پس از انتشار مطالبی کذب علیه محسن چاووشی خواننده قطعه «علاج»، کاظم بهمنی شاعر این تک آهنگ مطلبی را در حمایت از این خواننده منتشر کرد.

به گزارش خبرنگار مهر، پس از انتشار مطالبی کذب و دروغ علیه محسن چاووشی خواننده قطعه «علاج» که گفته می‌شد وی با دریافت مبالغی هنگفت و در قالب یک اثر سفارشی اقدام به تولید اثر پرطرفدار ملی میهنی کرده است، کاظم بهمنی شاعر این تک آهنگ مطلبی را در حمایت از این خواننده مطرح منتشر کرد.

در متن منتشر شده از سوی بهمنی با عنوان «دربار علاج و مردم» آمده است: «شب داشتیم با هم قدم می‌زدیم بعد از کلی حرف، به شوخی بهش گفتم تو هم ترسیدی! گفت درهای نمی‌ترسم، ما جنگ زده ایم اما خیلی از این «مردم» خیلی مضطربن، همه بغض دارن ... کاش می‌شد براشون کاری کنیم.

برگشتیم خونه اش؛ ساعت ۱۰:۳۰ شب بود، صدای دافدند قطع نمی‌شد به ملودی که از قبل ساخته بود رو واسم پخش کرد، گفت رو همین خط بنویس. فوادیان قهوه برام درست کرد که خوابم نبرد. تا صبح بند به بند می‌نوشتم و اون بند به بند رو می‌خواند. ساعت ۴ صبح شده بود، فوادیان خوابیده بود، اثر کافئین قهوه رو هم دیگه احساس نمی‌کردم اما همچنان اون اصرار داشت که نمی‌خواب، به صورتش که نگاه می‌کردم انگار به موضوعی خواب‌آزش گرفته بود.

تو اتاق پشت میز نشسته بودم و می‌نوشتم. هریه ربع بهم سر می‌زد که نخوابیده باشم و هی با حرفاش سعی داشت تپه‌یچم کنه ... کاظم! مردم! خطاب به «مردم» بنویس! بگو هرچی بزنن ما هم جواب می‌دیم، به پی بگو دلشون قرص شد، بگو نترسن این سر و صداها بیشتر واسه نفوذیاس! بگو «خدا هوماونو داره...» کاظم پیچیده اش نکن، ساده و صریح بنویس که همه «مردم» بفهمن...

ساعت ۷ صبح ... کار من تمام شده بود کف استودیو دراز به دراز افتاده بودم و چشم‌ام داشت بسته می‌شد. از فشار خواب نمی‌توستم بهش بگو کلم رو خاموش کن و حسای سردم ...»

ساعت ۸ صبح با صدای اسپیکر! چشامو به زور باز کردم. از روی صندلی برگشتم و با په لبخند رضایتی نگام کرد، گفت تمومه!! درست باشه!! چون اون نمی‌دونه که محسن بیشتر پولی که درمیاره کجا هزینه می‌کنه ... که اگر خرج خودش کرده بود الان توی یه خونه ۹۰ متری معمولی مستأجر نبود. تمام.»